

## **An Examination of Proportionality in Epic and Martyrdom Verses of the Holy Quran Based on *Tafsir Tasnim***

**Seyyedeh Shahrbanou Abtahi**<sup>1</sup>  
*MA in Quran and Hadith Sciences, Shahed University*

**Lale Eftekhari**<sup>2\*</sup>  
*Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, Shahed University*

(Received: 12/10/2019; Accepted:16/02/2020)

### **Abstract**

*The proportion of Quranic verses to each other is one of the most valuable topics in Quranic sciences that has long been considered by scholars of the Islamic world; In the modern era, the principle of purposeful and proportional structure based on the wisdom of the verses in the suras has found its place in the intellectual system of many prominent contemporary commentators such as Ayatollah Javadi Amoli. The subjects of epic and martyrdom are also among necessary and valuable topics for all societies. Accordingly, the present article, applying documentary-analytical method and using library resources, seeks to answer this question: "How is proportionality and its types in the verses related to martyrdom and epic in Tafsir Tasnim?" It is concluded that despite the dispersion of verses in different surahs, there is a strong relationship and one can see different types of proportions in it. However, the proportion among them is mostly verbal (hidden).*

**Keywords:** *Tafsir Tasnim, verbal proportion, martyrdom, epic.*

---

1 . shahrbanoo.abtahi.917@gmail.com

2 . \* Corresponding Author: eftekhari@shahed.ac.ir

## بررسی تناسب در آیات حماسه و شهادت در قرآن کریم با تکیه بر تفسیر تسنیم

سیده شهربانو ابطحی<sup>۱</sup>

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شاهد

لاله افتخاری<sup>۲\*</sup>

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شاهد

(تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۷)

صفحات: ۳۷-۵۲

### چکیده

تناسب آیات قرآن با یکدیگر، یکی از مباحث ارزشمند علوم قرآنی است که از دیرباز مطمح نظر اندیشمندان جهان اسلام بوده است؛ در عصر حاضر نیز اصل ساختار هدف‌دار و مرتبط مبتنی بر حکمت آیات موجود در سوره‌ها، جای خود را در منظومه فکری بسیاری از مفسران مطرح معاصر همچون آیت‌الله جوادی آملی باز کرده است. موضوع حماسه و شهادت نیز از جمله موضوعات ضروری و ارزشمند نزد تمام جوامع است. بر این اساس مقاله حاضر با روش اسنادی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این سؤال برآمده است که تناسب و انواع آن در آیات مرتبط با شهادت و حماسه در تفسیر تسنیم چگونه است؟ و چنین نتیجه می‌گیرد که میان این آیات با وجود پراکندگی در سوره‌های گوناگون رابطه‌ای مستحکم وجود دارد و انواع تناسب در آن به چشم می‌خورد. با این حال تناسب میان آن‌ها در بیشتر موارد از نوع تناسب لفظی (پنهان) است.

**کلمات کلیدی:** تفسیر تسنیم، تناسب لفظی، شهادت، حماسه.

۱. shahrbanoo.abtahi.917@gmail.com

۲. \* نویسنده مسئول: eftekhari@shahed.ac.ir

## ۱- مقدمه

اجزای قرآن به صورت یک سلسله منظم در کنار یکدیگر قرار گرفته است به گونه‌ای که آیات به ظاهر پراکنده این کتاب آسمانی نیز با رشته‌هایی به هم پیوند خورده‌اند و میان آن‌ها تناسب برقرار شده است تا در نهایت مخاطب را به مقصود خود از مفاهیم بیان شده برساند؛ آیات مرتبط با مفهوم شهادت و حماسه نیز از این قاعده مستثنی نیست. بنابراین این پژوهش بر آن است تا با جمع کلیه آیات مرتبط با این موضوع و با مراجعه به تفسیر تسنیم، تناسب و ارتباط میان آن‌ها را کشف کرده، نگاه جامع قرآن کریم نسبت بدان را بیان نماید. این نوع ارتباط گاهی به صورت آشکار و زمانی هم به صورت غیر آشکار و پنهان قابل درک است. در تناسب پنهان بخشی از کلام به بخش دیگر مرتبط است به گونه‌ای که اگر بخش دوم نیاید معنا در بخش اول کامل نیست و سخن ناتمام است، هرگاه این ارتباط قابل دریافت برای مخاطب باشد تناسب پنهان از نوع لفظی است و هرگاه این ارتباط دیرپاب و غیرقابل فهم باشد و کشف آن تنها برای اهل علم ممکن باشد؛ تناسب پنهان از نوع معنوی است. با این دیدگاه پیوند اجزای سخن در تناسب پنهان از نوع لفظی می‌تواند از نوع مسند و مسندالیه، بیان علت، صفت، تأکید و تکمیل معنا در آیه قبل، تقیید مطلق، تخصیص عام و بیان مصداق برای آیات قبل باشد (فقهی زاده، ۱۳۹۳: ۱۹۱). در این پژوهش به جهت اهمیت، از ذکر انواع دیگر تناسب چشم‌پوشی گشته، انواع تناسب لفظی (پنهان) در بین آیات حماسه و شهادت مورد بررسی قرار گرفته است.

### ۱-۱- هدف، بیان مسأله

هدف از بررسی آیات حماسه و شهادت در قرآن کریم، ایجاد روحیه حماسی در جامعه و گسترش فرهنگ حماسه و شهادت است که از طریق درک تناسب میان آن‌ها و دستیابی به الگویی کامل از آن به تحقق این هدف کمک می‌کند، بنابراین این پژوهش بر آن است تا پیوستگی و نظم میان آیات حماسه و شهادت در تفسیر تسنیم را مورد بررسی قرار داده، با دسته‌بندی آیات، نوع ارتباط بین آن‌ها را تعیین کند، از این رو این پژوهش، به این سؤال پاسخ می‌دهد که جایگاه تناسب در آیات حماسه و شهادت با تکیه بر «تفسیر تسنیم» چگونه است؟

### ۱-۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

افزون بر آنچه گفته شد نکته مهم آن است که از طریق تدبر در قرآن کریم و بررسی هدف و تناسب میان آیات قرآن، کاربرد جمله‌ها و استفاده عملی از آن‌ها بیش‌تر نمایان می‌شود. هرچه موضوع تناسب و نظم آیات قرآن مستدل‌تر و قوی‌تر اثبات شود به انجام پژوهش‌های قرآنی در زمینه تناسب، مطلع و فرجام سوره‌ها، تناسب درون سوره‌ای و برون سوره‌ای بیشتر کمک می‌کند، همچنین اثبات مفاهیم حماسه و شهادت در سایه مبانی محکم و متقن و مصون از آزمون و خطای وحیانی، اسلام را به غایت و نهایت هدف بشر که همان رستگاری است یاری می‌رساند. با این حال، با اینکه پژوهش‌هایی در رابطه با علم تناسب و مناسبت میان آیات و سور قرآن کریم انجام شده، اما در خصوص تناسب در آیات مرتبط با حماسه و شهادت به‌ویژه با تکیه بر تفسیر تسنیم تاکنون تحقیقی انجام نگرفته، به همین جهت این پژوهش بدان پرداخته است.

### ۱-۳- روش پژوهش

این پژوهش، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و... با روش تحلیل اسنادی و متناسب با سؤال و اهداف پژوهش به

بررسی آیات حماسه و شهادت براساس تفسیر تسنیم پرداخته است.

#### ۴-۱- پیشینه پژوهش

در خصوص تناسب، پژوهش‌ها و آثار بسیاری نگاشته شده است، برای نمونه قبادی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان تناسب آیات ابتدایی و انتهایی سوره‌های قرآن کریم با تأکید بر نظر آیت‌الله معرفت، قندالی (۱۳۹۳) بررسی و نقد هشت ترجمه از ترجمه‌های فارسی قرآن کریم براساس میزان توجه به تناسب و ارتباط آیات، ایازی (۱۳۸۴) در کتاب چهره پیوسته قرآن، باقلانی (۱۴۲۱) در کتاب اعجاز القرآن و سیاوشی کرم (۱۳۸۴) موضوع وحدت موضوعی از نگاه سید قطب در فی ضلال حجتی را براساس میزان توجه به "تناسب و ارتباط آیات" مورد بررسی قرار داده‌اند. در باب شهادت و حماسه نیز آثار زیادی به رشته تحریر در آمده است از جمله عبدالستار (۱۴۳۶) در کتاب خود با عنوان "الشهدا، حماه الوطن وحرّاس العقیده" به جایگاه شهید و شهادت پرداخته است؛ عباسی (۱۳۸۴) در کتاب خود با عنوان "شهید و شهادت در قرآن و حدیث به جمع‌آوری آیات و روایات مرتبط با موضوع شهادت و حماسه پرداخته؛ علامه جوادی آملی در کتاب خود با عنوان «حماسه و عرفان» در باب ارتباط حماسه با عرفان سخن گفته است و شهریوی (۱۳۸۵) شهید و شهادت را از دیدگاه شهید مطهری بررسی کرده است. با این وجود در هیچ یک از این پژوهش‌ها به مسأله تناسب با محوریت "تحلیل و بررسی آیات حماسه و شهادت در قرآن کریم با تأکید بر تفسیر تسنیم" پرداخته نشده است.

#### ۲- مبانی نظری

در این قسمت ابتدا به مبانی نظری مبحث تناسب و انواع آن پرداخته می‌شود.

#### ۲-۱- تناسب

دانش مناسبات قرآن، علمی است که به وسیله آن، دلایل چگونگی نظم پیدا کردن عبارات قرآن شناخته می‌شود. همین دلایل حاکی از رموز بلاغی قرآن در همسان آمدن معانی آن با حال مخاطبان به شمار می‌آید. مهارت در این رشته به وسیله شناسایی اهداف کلی سوره‌ها که به شناخت مقاصد یکایک جمله‌های قرآنی می‌انجامد، مرتبط می‌شود. بر این اساس علم مناسبات در نهایت درجه زیبایی قرار دارد و قرابت و رابطه آن با دانش تفسیر، همچون رابطه‌ای است که میان علم بیان و علم نحو وجود دارد (بقاعی، ۱۴۰۴، ۱: ۶). تناسب پنهان را از دو جنبه لفظی و معنوی می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ تناسب لفظی با اندک آشنایی نسبت به مفاهیم و تفسیر قرآن برای هر کسی قابل درک است؛ اما برای درک تناسب معنوی، خواننده نیاز به ژرف اندیشی، تأمل و آشنایی با علوم بلاغی دارد تا بتواند این نوع از تناسب را درک کند. اما مسأله شهادت که نتیجه سلامت روان، روحیه شجاعت و انتخاب آگاهانه است، مقاومت و پویایی جامعه را به دنبال دارد، چرا که ریشه در قدرت، قوت، صبر، استقامت، مبارزه با کفر، انسجام، آخرت‌خواهی و ظرفیت بالا دارد و این عوامل در مجموع، مقاومت جامعه را مضاعف می‌کند و اجتماع را متحرک، پویا و سازنده می‌گرداند؛ تا در برابر نیروهای طاغوت و استکبار با قدرت ظاهر شود و دست چپاول‌گران را از دامن سرزمین‌های اسلامی کوتاه نماید. نمود فرهنگ حماسه و شهادت در جامعه تأمین‌کننده امنیت و استقلال ملی است، استقلالی که مستعمران را در جای خود می‌نشانند و جامعه را از زیر یوغ ظلم و زورگویی آنان نجات می‌دهد.

قرآن کریم، زمانی که بر پیامبر(ص) نازل شد به عنوان راهنما و کتاب قانون آمد تا بشر را در تمام زمینه‌ها راهبر باشد و هر کجا که به بن بست خورد با مراجعه به کتاب قانون وظیفه خود را بیابد و به آن عمل کند. در ابتدا که دین مبین اسلام بر جاهلان عرب عرضه شد از قبول و عمل کردن به آن سرباز زدند، عده‌ای از افراد که دارای مکتب مالی نبودند و به نوعی محرومان جامعه به شمار می آمدند، دور پیامبر(ص) حلقه زدند، این افراد مستضعف بعد از پذیرش اسلام، توسط حاکمان و سردمداران زمان خود به شدت دچار آزار و شکنجه می شدند تا از دین خود دست بر دارند، اما در این زمان تنها وظیفه پیروان اسلام، تحمل و صبر بر ظلم ظالمان بود؛ تا اینکه بعد از هجرت از سرزمین مکه به مدینه، پیامبر(ص) از طرف خداوند مأموریت یافت در برابر زورگویی طبقه حاکم بایستد و هر کس را که با مسلمانان جنگید بی جواب نگذارد، بنابراین در مدینه به آنان اذن جهاد داده شد: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِنَاهِمُ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج/۳۹). و «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمُوهُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ» (بقره/۱۹۱). و نیز «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انتهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» (بقره/۱۹۳) و «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُوهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال/۶۰). تعلیم راه مجاهدت، در حد خود نعمت الهی و مقدمه ظفر است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۵: ۶۱۵). «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انتهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (انفال/۳۹)، دستور نبرد بی امان با مشرکان تا محو شرک فتنه گر و حاکمیت فراگیر دین خدا، تا تحقق تمام عیار کلمه طیبه «لا إله إلا الله» است؛ که استقرار دین و نفی هر گونه تفکر ضد دینی در گرو امور فرهنگی، یعنی تعلیم، تزکیه، تبلیغ و مانند آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۹: ۶۲۵). امر به جهاد علیه ظالمان تا جایی است که جنگیدن و جهاد کردن بر همه مسلمانان فرض شده است. «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (بقره/۲۱۶). جهاد که از احکام حیات بخش اجتماعی اسلام و جلوه‌ای از جلال و جمال هماهنگ خداست، بر مؤمنان واجب است، اگرچه با طبع آنان ناملازم است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱۰: ۵۳۳).

وجود تعداد قابل توجه آیات مربوط به جنگ بر علیه کفار و نیز آیات حماسی، نظیر آنچه ذکر شد در قرآن کریم از یک سو ضرورت توجه بدان را آشکار می سازد و از دگر سو یکی از مسائلی که در بین دانشمندان علوم قرآنی پیوسته مطرح بوده است؛ بررسی مسأله تناسب و ارتباط بین آیات قرآن به منظور دستیابی به فهم دقیق تر پیام آن‌ها و پاسخگویی و رد سخنان بعض خاورشناسان مبنی بر پراکندگی آیات قرآن و نداشتن نظم و انسجام میان آن‌ها است که این نظریه و دیدگاه اخیر توسط متخصصان علوم قرآن از جمله علامه جوادی آملی رد شده است؛ ایشان در تفسیر تسنیم بابی خاص برای بررسی تناسب بین آیات باز کرده اند و حتی المقدور تناسب هر آیه با آیه قبل را بیان می کنند. در بین تفسیرهای موجود به صراحت می توان اشاره کرد که تنها تفسیری که تا این حد به موضوع تناسب اهمیت داده است، تفسیر تسنیم می باشد.

## ۲-۱-۱- تناسب لفظی

زمانی که ارتباط و مفاهیم آیات به آیات قبل از خود معطوف نشده است و ظاهراً قسمتی از آیه به ماقبل خود با حرفی از حروف عطف که نشانگر اشتراک معطوف و معطوف علیه در یک حکم باشد، متصل شده است؛ در این حالت آیه بعد برای آیه قبل حکم صفت، تأکید و تکمیل معنا، تقیید مطلق، تخصیص عام، تحریض و تشویق، تحذیر و نکوهش را دارد

(فقهی زاده، ۱۳۹۳: ۱۷۱).

#### ۲-۱-۲- تناسب معنوی

در این نوع تناسب، آیات به پیش از خود معطوف نیستند، بلکه جدا از ما قبل به نظر می‌رسند. از این رو رابطه و تناسب میان آن‌ها را از جهات دیگری که موجب همنشینی آن‌ها شده‌اند، باید جست و جو کرد. قرآینی همچون، تنظیر، تضاد، استطراد، انتقال، حسن مطلب (سیوطی، ۱۴۲۶، ۲: ۲۹۳)، سبب پیوند و ارتباط آیات خواهند شد.

#### ۲-۲- حماسه

حماسه از ریشه حماس است و حَمَس، يَحْمُسُ حماسه به معنای شجع (انیس، ۱، ۱۴۱۶ و ۲: ۱۹۷) و حَمَس یعنی به «هیجان آورد» می‌باشد و حماسه در معنای غیرت و پهلوانی است (انطون الیاس، ۱۳۵۵: ۱۶۶) و به کاری افتخار آفرین که از سر شجاعت و بی‌باکی یا مهارت و ورزیدگی انجام شده باشد هم اطلاق می‌گردد و حماسه نوعی شعر است که در آن از جنگ‌ها، دلاوری‌ها، مردانگی‌ها و افتخارات قومی و ملی سخن می‌رانند و بدان رجز هم گفته‌اند و حماسی به معنای دارای ویژگی‌های دلاورانه است (انوری، ۱۳۸۲: ۸۷۵). حماسه، کار بزرگی است که باعث سرفرازی و سربلندی، رهایی از ستم، هموارگر دشواری برای سود و خشنودی گروهی، مردمی، ملی و بین‌المللی باشد. در اصطلاح دینی عبارت است از شکستن مرزهای ظلم و ستیز، دشمن‌ستیزی و به پا خاستن برای از بین بردن مرزهای کفر و شرک (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۲).

#### ۳-۲- شهادت

شهادت، مصدر از ریشه «شهد» به معنای حضور، علم و اعلام است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۲۱). «شهادت از اسماء الهی و جمع آن شهدا و به معنای حاضر و آگاه و کسی است که چیزی از او پنهان نیست و به کشته شده در راه خداوند از آن رو شهید گویند که خدا و فرشتگان بر ورود او به بهشت گواهی می‌دهند (ابن منظور، ۷: ۱۴۱۶: ذیل ماده شهد). آیت‌الله حسن‌زاده در وصف شهید بر آن است که شهید قبل از شهادتش، شاهد وجه پروردگارش و حاضر در نزد اوست زیرا کلمه شهید دو معنا دارد: یکی حاضر و مراقب و دیگری شاهد (عباسی، ۱۳۸۴: ۹).

#### ۲-۳-۱- واژه شهید در قرآن

لفظ شهید و مشتقات آن از ریشه شهد به صورت مفرد، مثنی و جمع، ۵۵ بار در قرآن استعمال شده که تنها در سه مورد آیه (نساء/۶۹)، (حدید/۱۹) و (زمر/۶۹) در قالب شهدا، جمع شهید و به معنای کسی که در راه اعتلای کلمه حق و دفاع از سرزمین جان خویش را داده، آمده است (عباسی، ۱۳۸۴: ۹).

#### ۲-۴- تفسیر تسنیم

تفسیر تسنیم از تفاسیر شیعی قرآن به زبان فارسی، تألیف عبدالله جوادی آملی است که بر پایه اسلوب تفسیری علامه

طباطبایی در تفسیر المیزان نگاشته شده و در شمار «تفاسیر قرآن به قرآن» جای دارد. مفسر در کنار سه منبع اصلی خود یعنی قرآن، سنت و عقل در موارد پرشماری از ادبیات عرب و کلام فلاسفه و عرفا برای بیان مراد خود بهره گرفته است. مفسر تفسیر خود را در چهار بخش ۱- گزیده تفسیر؛ ۲- تفسیر؛ ۳- لطایف و اشارات؛ ۴- بحث روایی پی می‌گیرد. عنوان تسنیم، مأخوذ از آیه ۲۷ سوره مطففین در قرآن و نام چشمه‌ای در بهشت است. از امتیازات این تفسیر، توجه ویژه به هدفمندی سوره‌ها و اختصاص فصلی با عنوان «تناسب آیات» در میان مباحث تفسیری است. مفسر نخست آیه یا آیاتی می‌آورد و آن‌گاه جایگاه علمی و عملی هر آیه را در فصلی جداگانه مورد بحث قرار می‌دهد. این تفکیک دسترسی به معنا و تفسیر هر آیه را آسان می‌کند، البته در مواردی هم مفسر چند آیه را به دلیل پیوستگی معنایی در کنار هم یاد می‌کند.

### ۳- بحث و تحلیل

در این بخش که اصل پژوهش را شامل می‌گردد به بررسی آیات مربوط شهادت، حماسه و محاربه علیه کفار با محوربندی گوناگون پرداخته می‌شود.

#### ۳-۱- آیات مربوط به ترغیب جهادگران و بیان فضیلت شهادت و فضایل شهدا

در ابتدا که دستور جهاد به رهجویان اسلام داده شد عده‌ای بر این باور بودند که سرانجام شهادت و دفاع در راه حق تنها کشته شدن و از بین رفتن است و آن را نوعی ناکامی و نابودی می‌پنداشتند؛ بنابراین خداوند با بیان آیه «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» (بقره/۱۵۴) بهره‌مندی شهید از رزق حسن و روزی خاص نزد خداوند را یادآوری کرده، توهم اینکه شهادت سبب محرومیت و ناکامی شهید می‌شود، رد می‌کند و می‌فرماید: شهید، زنده و منشأ اثر است؛ هم اهل دنیا و بازماندگان خود را بیدار و نورانی می‌کند و هم به برزخیان روح و ریحان می‌رساند (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ۷: ۶۰۴). آیات دیگری نیز در تجلیل از مقام والای شهیدان و جایگاه آنان در آخرت سخن می‌گویند. برای مثال «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران/۱۶۹) که این عبارت برای مبالغه در معنای آیه قبل آمده است تا معنا و مفهوم آیه را برای مخاطبین خود با تأکید بیان نماید. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل است که ایشان فرمودند: «شهدا شاهدان من نزد خدا در روز قیامت هستند. بیایید و ایشان را زیارت کنید، بر اینان سلام کنید که سوگند به آنکه جانم در دست اوست، هیچ کس نباشد که بر آن‌ها سلام کند، الا اینکه جوابش را می‌دهند و آن‌ها از میوه‌های بهشتی و هدایای آن روزی داده می‌شوند (مبیدی، ۱۳۷۱، ۱: ۴۱۷). در مثال دیگر خداوند در ادامه آیات ابتدایی سوره محمد (ص) به این موضوع اشاره کرده است که کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند اعمالشان تباه نمی‌شود، خداوند آن‌ها را هدایت کرده است و امورشان را اصلاح می‌کند و به بهشتی که آن‌ها را وعده کرده است درمی‌آورد. «الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ» (محمد/۴) «سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ» (محمد/۵) «وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ» در آیه (۱۵۴) از سوره مبارکه بقره نیز آمده است «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» حیات جاوید شهید و بهره‌مندی خاص او نزد خداوند، خود از عوامل پایداری نظام آفرینش و تحریض مجاهدان راه اسلام است و بدین طریق با بیان بهره‌مندی شهید از رزق حسن و روزی خاص نزد خداوند، توهم اینکه شهادت سبب محرومیت و ناکامی شهید شود رد شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۷: ۶۰۳).

در ادامه همین معنا؛ آیه (۷۴) از سوره نساء می‌فرماید: «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء/ ۷۴) این آیه نیز با هدف ترغیب مجدد به جهاد در راه خدا، مجاهدان راستین و فضیلت و اجر عظیم آن‌ها در جهاد را یادآور می‌شود. عیاشی نیز در روایتی از قول امام صادق (علیه‌السلام) آورده است که ایشان در جواب کسی که بسیار مشتاق بهشت بود فرمودند: «در راه خدا جهاد کن، زیرا اگر کشته شوی زنده خواهی بود و نزد خدا روزی می‌بری و اگر بمیری اجر تو بر خداست و اگر بازگردی، از گناهانت به جانب خدا بیرون آمده‌ای» (عباسی، ۱۳۸۴: ۸۳). در مجموع وجه اشتراک این آیات علاوه بر موضوع، ارتباط میان آن‌ها در جهت ترغیب و تشویق مجاهدان به جهاد می‌باشد. برای مثال عبارت «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ...» برای عبارت «فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْنَتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ...» حکم تأکید بر معنا و مفهوم آیه قبل را دارد و تناسب لفظی در این آیات مشهود است. نمونه دیگر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًىٰ لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قَتَلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكُمْ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يَحِيحُ وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (آل عمران/ ۱۵۶) شما مانند کافران نباشید و نپندارید که اگر هم کیشان شما در نزد شما بودند هرگز کشته نمی‌شدند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۱۶: ۱۱۲). به هر حال زندگی و مرگ در ید قدرت الهی است. شهادت و کشته شدن در راه خدا به معنای نابودی و بهره‌مند نبودن از الطاف الهی نیست؛ خداوند در این آیه مسلمانان را از پندار غلط به تأخیر انداختن اجل با شرکت نکردن در جهاد و کشته نشدن هم کیشان کافرشان باز می‌دارد و می‌فرماید: زندگی و مرگ در دست خداوند است و کشته شدن در راه خدا به معنای نابودی نیست. بلکه شهیدان زنده‌اند و نزد خدا به سر می‌برند. همچنین روزی و ارتزاق آنان عند اللہی است «...أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» تعبیر (عِنْدَ رَبِّهِمْ) اشاره به قرب معنوی است، همان قربی که اهل تقوا از آن برخوردارند: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ» (قمر/ ۵۵-۵۴) شهیدان به جهت آثار حیاتی شهادتشان برای جامعه و نیز پاداش عظیم خدا به آنان شادمان‌اند «...فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۶: ۲۹۰). «...لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ...» (یونس/ ۶۴) شهدا در زندگی دنیا و آخرت مستبشر رؤیای صالح هستند که می‌بینند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۶: ۲۹۵). بنابراین شهید سوره «یس» می‌گوید: «يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ» (یس/ ۲۷-۲۶) شهید به مقام کرامت می‌رسد و همانند فرشته دارای اثر تکوینی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۶: ۳۰۰) «لَلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ» (یونس/ ۲۶) «لِيُؤْتِيَهُمْ أَجْرَهُمْ وَيَزِدَّهُمْ مِنْ فَضْلِهِ» (فاطر/ ۳۰) توصیح آنکه «فضل» خداوند در برابر «اجر» قرار می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۶، ۳۰۶) و شادمانی اهل ایمان به فضل و عطای الهی است نه به زخارف دنیا بنابراین می‌فرماید: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس/ ۵۸) همچنین آیه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (احقاف/ ۳۱۰) بشارتِ نداشتن خوف و حزن از امری محتمل نیست بلکه مسأله‌ای است که خود ذات اقدس خداوندی به مؤمنان و شهدا می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۶: ۳۰).

### ۳-۲- آیات مربوط به توصیف مجاهدان راه خدا و ارتباط آنان با شهادت

جبهه حق و باطل از ابتدای خلقت همواره در روبه‌روی هم قرار گرفته‌اند تا جایی که جبهه حق هیچ‌گاه از دفاع در برابر جبهه باطل خالی از نیرو نبوده است و مشیت خداوند بر این تعلق گرفته تا برای مقابله با شر و فساد گروهی را خلق کند که با بخشش جان و مال جبهه حق را یاری رسانند. از این رو در آیه (۲۰۷) از سوره مبارکه بقره می‌فرماید «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ



يَشْرِي نَفْسَهُ اِتِّعَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ»، بارزترین مظاهر رأفت خدای مَنان به بندگان خویش که موجب تداوم نظام احسن است، آفرینش جانناران پاک‌باخته و گسیل مروّجان راستین دین و مصلحان حقیقی است. مفسدان با موعظه و دعوت به تقوا و تهدید به دوزخ از فساد دست برنمی‌دارند و اگر فرصت یابند جامعه را نابود می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱۰: ۲۴۵). آنانی که جان را در طبق اخلاص گذاشتند؛ در را خدا جهاد کردند و به لقاء الله پیوستند از این اتفاق خوشحال‌اند و به آن می‌بالند. «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (آل عمران/ ۱۷۰) «يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران/ ۱۷۱) خداوند سبحان هم وضع شهید را به بازماندگان اعلام می‌کند و هم از هم‌زمان شهید به او گزارش می‌دهد تا از سویی بازماندگان اعتراض و توهمی سوء نداشته باشند و از سوی دیگر راهیان کوی شهادت تشویق شده و شهیدان، خوشحال گردند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۶: ۲۷۸). شهید بعد از اینکه به لقاء الله پیوست و قرب الهی را درک کرد نسبت به آنچه که خداوند از فضل و رحمت خود به او عنایت کرده؛ غرق در سرور است به طوری که همه برزخیان حسرت مقام و عنایتی را دارند که به او داده شده است و این مسرت زمانی کامل می‌شود که آن‌ها نسبت به بازماندگان خویش هیچ اندوهی نداشته، از لطف پروردگار نسبت به همنوعانشان آسوده خاطر باشند و این است که برای شهید جای هیچ غم و اندوهی نیست. در جای دیگر خداوند، مؤمنان وفادار به پیمان خود را به دو گروه شهدا و مجاهدان تقسیم می‌کند و می‌فرماید: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (الاحزاب/ ۱۲۳) حال مجاهدان فی سبیل الله یا شهادت است یا انتظار شهادت. به عبارت دیگر مجاهدان در همه حال بی‌تاب از وصال معشوق هستند. وعده‌های پوشالی در عقیده آنان تغییری ایجاد نکرده، بر آن عهدی که با خدا بستند تا پای جان ایستاده‌اند. آن‌ها ثابت قدمان در عهد و پیمان الهی هستند و دفاع از حق تا مرز شهادت، نشانه صداقت در ایمان آن‌هاست. «صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ» (قرائتی، ۱۳۸۸: ۳۴۷). بررسی‌ها نشانگر آن است که این آیات برای آیه (۲۰۷) سوره بقره در حکم صفت و توصیف کسانی است که جان را برای به‌دست آوردن خشنودی الهی به خداوند فروختند و از این معامله خشنودند. پیام آیات این است که شهادت برخی مؤمنان نه تنها باعث دلسردی و ناامیدی گروه دیگر نمی‌شود، بلکه باقی ماندگان میدان رزم منتظر هستند تا به وصال دوستان شهیدشان برسند. آیه (۱۱۱) سوره توبه نیز همچون آیه قبل، مجاهدان را به دو گروه تقسیم می‌کند؛ یا در حال پیکار با دشمن هستند، تا آنان را از پای در آورند یا آنکه به دست کافران به شهادت می‌رسند. در هر دو حالت پیروزی با آنان می‌باشد. آیه چنین است: «أَنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمِ اللَّهِ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه/ ۱۱۱) حماسه‌گران جبهه حق در واقع با بذل جان و مال و تقدیم آن به خداوند وارد معامله‌ای می‌شوند که سراسر سود است و بهایی بالاتر از بهشت برای آنان نیست «بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ» از این رو فرمود «فَاسْتَبْشِرُوا بِنِعْمِ اللَّهِ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ» ای پیامبر مجاهدان را به این معامله‌ای که با خداوند کردند بشارت بده تا شادمان و مسرور باشند. زیرا وفادارتر از خداوند، در وفای به عهد خود، کسی نیست «وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ». یادآوری این نکته هم ضروری است که هدف جهادگران تنها کشته شدن نیست بلکه دفاع از مرزهای الهی و برداشتن خار راه‌های مزاحم از مسیر حق است آن‌ها می‌کشند «يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ» و سپس کشته می‌شوند «وَيُقْتَلُونَ» (قرائتی، ۱۳۸۸، ۳: ۵۰۹). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود میان این آیه با آیات (۷۰) و (۷۱) از سوره آل عمران تناسب از نوع تأکید و تکمیل معنای آیه قبل وجود دارد. «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ» (توبه/ ۵۲) همچنین شهادت به معنای بسته شدن پرونده

شهید نیست، بلکه او همواره زنده و به آنچه خداوند به او داده خوشحال است در نتیجه رزمندگان اسلام چه پیروز یا شهید به «إحدى الحسينين» می‌رسند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۵: ۶۳۵). این تفکر غالب در بین مجاهدان، دلیل بر این بود که از امامان معصوم طلب دعای شهادت می‌کردند و این وعده‌ها از طرف خداوند داعیه‌ای است برای مسلمانان تا به صورت خودجوش برای محافظت از حرم الهی شجاعانه دل را به دریای جنگ و جهاد بزنند و آوازه اسلام را که در ابتدا تنها در جزیره‌ای سوزان و به دور از هر تمدن ظهور کرده بود به گوش جهانیان برسانند؛ و در جنگ و جهاد با روحیه‌ای فوق تصور با معاندان و دشمنان پیکار کنند و چه بسا افرادی که جا ماندند، از کسانی بودند که بر مقام و جایگاه شهدا غبطه خوردند. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در باب کشته شدن در راه خداوند این حدیث گهربار نقل شده است که ایشان فرمودند: «اشرف القتلى قتل الشهداء» (مجلسی، ۱۳۵۷، ۷۷: ۱۳۳). گرامی‌ترین قتل و کشتارها، شهادت شهیدان است و از امام جعفر صادق (علیه‌السلام) روایت شده که فرمودند: «بانفاق المهج يصل العبد الى حبيبه» تنها با شهادت و ریختن خون بنده است که او به وصال محبوب خود خواهد رسید (نوری، ۱۴۰۸، ۱۱: ۱۴).

### ۳-۳- آیات توصیف جهاد به عنوان بهترین نیکی‌ها

بعض آیات قرآن به مقایسه جهاد در راه خدا با دیگر معاملات و برتری آن بر دستاوردهای مادی و دنیوی می‌پردازد برای مثال می‌فرماید: «و لئن قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لِمَغْفِرَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَحْمَةٍ خَيْرٍ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» (آل عمران/۱۵۷). مهم آن است که مجاهد و مؤمن، به وظیفه خود در دفاع از دین عمل کند. در این صورت به حیات طیبه دست یافته است زیرا شهادت یا مردن در راه خدا از زندگی کفر و نفاق آلود و دلبستگی به زرق و برق دنیا بهتر است و این برتری به شکل تعیین است نه تفضیل و راز تقدیم قتل بر موت در این آیه، افزون بر افضل بودن قتل، غلبه وقوعی آن در صحنه نبرد است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۶: ۱۲۵). خداوند متعال در ضمن این آیه و آیات دیگر در خطاب به اهل ایمان می‌فرماید که کشته شدن و مرگ در راه خدا را بر مردن عادی ترجیح دهند و به استقبال چنین مرگی بروند چرا که این گونه از دنیا رفتن از هر خیری که جمع کنند برای آن‌ها بهتر است. تناسب درون آیه‌ای که علامه آملی به آن اشاره کرده است: تقدیم کلمه «قُتِلْتُمْ» بر «مِتُّمْ» است که بیان گر تقدم و شرافت شهادت در راه خدا بر مرگ عادی است. در تکمیل این معنا در آیه (۴۱) از سوره توبه می‌فرماید: «انْفِرُوا خِفَافًا وَ ثِقَالًا وَ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ». عبارت «ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» عبارت «خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» در آیه قبل برای تأکید آمده و این معنا را با بیانی دیگر برای مؤمنان می‌آورد تا برای ایمان آورندگان جای تردید برای نبرد در راه خداوند باقی نماند. و باز می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (توبه/۲۰) عبارت «أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» برای تشویق مجاهدان راه خدا (مالی - جانی) مقام والا که همان رستگاری است آورده است تا کشته شدگان فی سبیل الله را به جایگاهی والا در نزد خداوند وعده دهد و این است که بعد از گذشت قرن‌ها از تاریخ ظهور اسلام این مفاهیم همچنان تازه و جدید است.

در آیه (۷۴) سوره انفال چنین آمده است «و الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ». در اینجا اجر و پاداش مجاهدان به گونه‌ای دیگر بیان شده است تا این حق را برای مجاهدان تثبیت نماید و آن را قطعی نماید. «أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ» مجاهدان و حماسه‌سازان جبهه حق علیه باطل مؤمنان واقعی هستند آن‌ها کسانی هستند که اسلام در قلب و جان آن‌ها نفوذ کرده است از آنچه که دارند

جان و مال در راه خداوند می گذرند و بی باکانه ندای حق را لیک می گویند؛ برای اینان نزد خداوند بخشش و رزق نیکو وجود دارد. این گروه مصداق آیه «لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ» (توبه/۴۴) هستند. تنها پرهیزگاران می توانند دست از جان و مال و دنیای پر زرق و ورق بکشند و مشتاقانه دعوت حق را بپذیرند. بنابراین میان این‌ها رابطه و تناسب وجود دارد. در این بخش بیشتر آیات برای تشویق به پیکار آمده و تناسب در آن از نوع تحریض و تشویق است.

### ۳-۴- آیات مربوط به دلداری جهادگران (به‌ویژه شکست خوردگان در جنگ)

چنین نیست که عرصه جنگ همیشه به پیروزی لشکر حق منجر شود. شرایط جنگی پیوسته پیروزی یک طرف و شکست طرف دیگر نبرد را به دنبال دارد. تاریخ نیز نشانگر آن است که عوامل گوناگون، همچون قدرت برتر دشمن، عدم اطاعت از رهبر دینی و توجه به دستورات وی (نظیر آن چه در غزوه احد اتفاق افتاد)، فریب و حيله‌های جنگی دشمن، و غیر آن، گاه شکست لشکر حق را به دنبال دارد. بنابراین در میان آیات مربوط به موضوع جهاد و شهادت، بعضی آیات برای دلداری رزمندگان مغلوب وجود دارد. مانند «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالُكُمْ» (محمد/۳۵) خداوند به مجاهدان هشدار می دهد که به دلیل سختی‌ها و دشواری‌هایی که در راه جهاد برای شما پیش می آید هرگز میدان جنگ و جهاد را رها نکنید و از در صلح با کافران و منافقان درنیایید که حتی اگر در جنگ شکست بخورید خدا با شما است و این امتیاز و برتری شما بر گروه کفر است «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ» پس در میدان نبرد به خود سستی راه ندهید چرا که از ثواب و پاداش اعمال شما چیزی کم نمی شود «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج/۴۰). خداوند کسانی را که او را یاری دهند یاری می دهد و خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است «و لا تهنوا و لا تحزنوا و أنتم الأعلون إن كنتم مؤمنين» (آل عمران/۱۳۹) اعتلای مکتب و علو روحیه ایمانی سبب اعلا بودن مؤمن است و او با عبودیت، مظهر اعتلای الهی می شود. براساس این آیه، برای سعادت ابدی و بهشت برین، باید در کنار دیگر فضایل، جنگ و جهاد همراه با صبر و مقاومت نیز باشد (جوادی آملی، ۱۵، ۱۳۸۸: ۵۹۶). صبر بر شکست و ناهمواری جهاد، مؤمن را به پیروزی می رساند، حتی اگر در ظاهر مغلوب باشد مجاهد فی سبیل الله همواره پیروز صحنه نبرد است چه کشته شود و چه بکشد. گاه نیز خداوند خود، به آن‌ها تسلی نمی دهد بلکه ملائکه خویش را جهت دلداری و روحیه‌بخشی و زدودن ترس و اندوه از آنان گسیل می کند. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت/۳۰) از ویژگی‌های مؤمنان واقعی این است که در راه خداوند استقامت به خرج میدهند و روحیه حق طلبانه آن‌ها هرگز در برابر ناملايمات سست و ضعیف نمی شود؛ این گروه از طرف فرشتگان مورد خطاب‌اند که ای اهل ایمان، بشارت باد بر شما که نه ترس و نه اندوهی بر شماست و میعادگاه بهشت پذیرای شما می باشد. امام علی (علیه السلام) ضمن خطبه (۱۷۶) بعد از تلاوت این آیه می فرماید: «قد قلت ربنا الله فاستقيموا على كتابه و على منهاج امره و على الطريقة الصالحة من عبادته، ثم لا تمرقوا منها، و لا تبتدعوا فيها، و لا تخالفوا عنها» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ۳۳۳). به آنچه که به خداوند وعده کردید پایمردی کرده، در آیین وی بدعت نگذارید و با آن مخالفت نکنید. «و مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء/ ۶۹) «ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا» (نساء/ ۷۰) خدای سبحان بشارت می دهد کسانی را که اطاعت دائمی از او و رسولش را سرلوحه برنامه خویش قرار داده‌اند به قافله نعمت داده شدگان ملحق می کند که سرسلسله آن‌ها پیامبران و صدیقان و

شهیدان و صالحان هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱۹: ۴۸۳). «فاستجابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَأَلْذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُدْوَا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا النُّهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ» (آل عمران / ۱۹۵) استجابت خدا مشروط به اجابت بندگان است؛ یعنی اگر بندگان ندا و دعوت خدا را اجابت کنند، خدا نیز دعا و ندای آنان را پاسخ مثبت می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۶: ۷۱۸). اجابت بندگان شرکت در اعمال صالح مثل هجرت، صبر و بردباری در برابر سختی‌ها و آزارها، جهاد و دفاع و شهادت در راه خدا و لبیک گفتن به ندای حق است و اجابت خداوند برای بندگان به صورت «لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا النُّهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ» همانا بدی‌های آنان را (در پرده لطف خود) ببوشانیم و آن‌ها را به بهشت‌هایی درآوریم که زیر درختانش نهرها جاری است، این پاداشی است از جانب خدا و نزد خدا است پاداش نیکو (یعنی بهشت و ملاقات خدا). «و من يهاجر في سبيل الله يجد في الأرض مراعماً كثيراً و سعة و من يخرج من بيته مهاجراً إلى الله و رسوله ثم يدركه الموت فقد وقع أجره على الله و كان الله غفوراً رحيماً» (نساء / ۱۰۰) این آیه از مهاجرانی که برای رضای الهی و حفظ دین از همه تعلقات مادی گذشته و با دست خالی و مشقت فراوان، ترک دیار خویش کنند، به عظمت یاد کرده، آنان را هم به گریزگاه و پناهگاه و سرزمین امن، مطمئن، متناسب با حیات معنوی و انسانی و موافق با زندگی مادی، یعنی مسکن و مکان مناسب برای زندگی و کشاورزی بشارت می‌دهد: «... يَجِدُ فِي الْأَرْضِ مُرْعَمًا كَثِيرًا...» و هم به وسعت و گشایش در امور و کارها و رهایی از فشارهای زندگی: (وَسَعَةً). این وعده برای آن‌ها در دنیا و افزون بر پاداش اخروی آنان است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۲۰: ۲۴۷). آیه دیگر به توصیف مدح گونه رزمندگان اسلام پرداخته، آنان را محبوب خداوند می‌خواند و چنین گوید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُنْيَانُ مَرُوصٍ» (الصف: ۴) به فرموده امام خمینی (رضوان الله علیه) که در خطاب به حج‌گزاران فرمودند: «ای نشستگان در برابر خانه خدا به ایستادگان در جبهه حق علیه کفر دعا کنید». این عبارت، نشان از برتری مجاهدان در برابر حج‌گزاران دارد، بالتبع اعمال اینان نزد خداوند مقبول‌تر و گرامی‌تر است و در حقیقت مصداق آیه شریفه «فضل الله المجاهدين على القاعدین اجرا عظيماً» (نساء / ۹۵) به‌شمار می‌آید.

خداوند در آیه دیگر خطاب به رزمندگان به آنان دلداری می‌دهد و چنین می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء / ۱۰۴) و بدین وسیله در خطاب مستقیم به امت اسلامی، آنان را از وهن و سستی در تعقیب دشمنان بازداشته، برای ترغیب و تشجیع مؤمنان بر جهاد و نیز برای عبرت‌آموزی از وضع دشمنان می‌فرماید: در جنگ با دشمنان اگر شما متحمل رنج و دردید، آن‌ها نیز سختی و درد می‌کشند، پس دشواری و تلخکامی برای هر دو گروه است؛ لیکن شما را بر آنان این امتیاز است که شما امیدوار به لطف الهی، پشتوانه محکم و عظیم الهی هستید (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۲۰: ۳۱۹). در مجموع خداوند متعال با بیان این آیات رزمندگان صحنه نبرد را در همه حال پیروز میدان معرفی می‌کند و بدین وسیله روحیه آنان را در جنگ علیه کفار تقویت می‌کند.

در مجموع با وجود پراکندگی این آیات در سور مختلف میان آن‌ها تناسب و ارتباطی وثیق برقرار است برخی از برتری آنان بر رقیب در همه حالات، بعضی از یاری خداوند و فرشتگان او، آیتی هم به وعده‌ها و پاداش‌های اخروی می‌پردازند و برخی نیز آنان را مدح و ستایش می‌کند و در مجموع علاوه بر وجود تناسب میان هریک از این آیات با آیات قبل و بعد از خود، آنان نسبت به دیگری حالت تأمین و تکمیل و توضیح دارند؛ بنابراین تناسب میان آن‌ها از نوع لفظی است.

#### ۴- آیات بیان گر اهداف حماسه، محاربه علیه دشمنان

در قرآن آیاتی وجود دارد که بیان گر اهداف حماسه، محاربه علیه دشمنان هستند که در ادامه به صورت دسته بندی شده ارائه می شود.

##### ۴-۱- رفع و دفع موانع از سر راه اسلام

دین اسلام تنها دین مورد قبول خداوند است و همه انبیا آمدند تا در نهایت به دریای بی کران اسلام پیوندند «ان الدین عند الله الاسلام» (آل عمران/۱۹) «و من یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین» (آل عمران/۸۵) جنگ را حربه ای برای دفع مزاحم می داند. مزاحمی که نه تنها خود به راه مستقیم نیست بلکه راه دیگران را نیز برای رفتن به سمت هدف سد می کند «ان الذین کفروا ینفقون اموالهم لیصدوا عن سبیل الله» (انفال/۳۶). «یریدون ان یطفئوا نور الله بافواههم و یسبوا الله ان یتم نوره و لو کره الکافرون» (توبه/۳۲) «وهم ینهون عنه و ینثون عنه و ان یهلکون إلا انفسهم و ما یشعرون» (انعام/۲۶). پس رحمت و حکمت الهی اقتضا می کند تا به جنود خود دستور رفع مانع را بدهد تا جهانیان بتوانند در سایه رحمت الهی به هدف و مقصود خلقت برسند (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲۵). این آیات به جهت ارتباط مستحکم میان آنان در مجموع از واقعیتی پرده برمی دارند که توجه بدان برای همه عصرها و نسلها ضروری می نماید و آن چنین است که دین حق، تنها اسلام است و گروهی تمام توان خود را برای نابودی آن به کار می گیرند، اما اراده الهی بر حفظ، بقا و نصرت آن قرار گرفته است. بنابراین بعضی آیات به طرح موضوع و بعضی به نتیجه آن پرداخته اند بنابراین میان آنها تناسب لفظی از نوع تأکید بر معنا و مفهوم واحد برقرار است.

##### ۴-۲- نصرت الهی پشتوانه مجاهدان و حماسه سازان

بعضی آیات کتاب الهی از نصرت و یاری خداوند، فرشتگان و دیگر عوامل تحت امر الهی از مجاهدان و حماسه آفرینان حکایت می کند. برای مثال در آیه (۴۰) سوره حج، برای اینکه دل های اهل ایمان و سربازان راه اسلام را مطمئن کند؛ به مجاهدان راه حق وعده می دهد و می فرماید: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» قطعاً کسانی که خداوند را یاری کنند خدا آن ها را یاری می کند و خداوند قوی و شکست ناپذیر است. «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثِّبَ أَقْدَامَكُمْ» (محمد/۷) «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا» (غافر/۵۱) رزمنده محبوب خدا پیروز خواهد شد و حق تعالی به مجاهدان راه خود پیروزی را با لسان اثبات وعده می دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱۹: ۵۳۵) «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» (نساء، ۷۶) زمانی نیز با زبان نفی از ضعف کافران خبر می دهد «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» این آیه نیز همچون آیات پیشین تشویق به جهاد در راه خداست. عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» جمله خبری به داعی انشاء است و همراه وصف مؤمنان، آنان را به جنگ در راه خدا ترغیب می کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱۹: ۵۲۷) «إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَ إِنْ يَخْذِلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فليتوكَّل المؤمنون» (آل عمران/۱۶۰) براساس توحید افعالی، نصرت تنها از سوی خدا و مختص و منحصر به وی و عامل پیروزی فقط کمک اوست (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۶: ۱۶۷) «و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذلة فأتوا الله لعلکم تشکرون» (آل عمران/۱۲۳) خداوند سبحان در جهاد دفاعی بدر با تأیید و امدادهای غیبی، گروه قلیل و اندک و ذلیل و خوار را پیروز

کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۱۵: ۴۷۸) عدد فرشتگانی که خداوند در جنگ بدر امداد آن‌ها را به مؤمنان وعده داد، در قرآن کریم هزار «أَتَىٰ مِعْدِدُكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ» (انفال/۹)، سه هزار «يُمِدُّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ» (آل عمران/۱۲۴) و پنج هزار؛ «يُمِدُّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ» (آل عمران/۱۲۵) «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ» (انفال/۱۷) این آیه یا بدان معناست که مجاهدان کافران را به کمک خداوند کشته بودند «إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّغْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ» (انفال/۱۲) امدادهای غیبی خداوند برای مؤمنان می‌آید تا حق را تثبیت و باطل را ابطال نماید (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۵: ۴۸۱) «لِيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَ يُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ» (انفال/۸) « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ » (انفال/۶۵) این آیات در تشویق و تقویت روحیه جهادگران با هم تناسب دارند. البته نصرت الهی، مشروط به نصرت مردمی است: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد/۷) و در بخشی از آیات مورد بحث نیز اشتراط امداد غیبی به نصرت و تقوای مردم مطرح شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۵: ۴۹۷). این آیات نیز بر قوت و شکست‌ناپذیری خداوند و اراده او بر نصرت رزمندگان، تقسیم جنگجویان به دو گروه حق و باطل و ضرورت توکل مجاهدان راه حق بر خداوند داشته، ضمن وعده غلبه آنان بر دشمنان، شواهد و مصادیقی از نصرت و یاری خداوند نسبت به رزمندگان اسلام را بیان می‌کند. بنابراین در میان این آیات، که در کنار هم منظومه و مجموعه‌ای ارزشمند را ارائه می‌دهند نیز رابطه مستحکم وجود دارد بدین گونه که هر یک بخشی از این مجموعه را کامل می‌کند بنابراین تناسب میان این آیات لفظی از نوع تأکید بر معنا و مفهوم نصرت الهی است.

#### ۴-۳- حماسه و محاربه علیه دشمن، میدان آزمایش و عرصه بازشناسی انسان‌ها از یکدیگر

دنیا در کلام الهی و سخنان بزرگان دین به عرصه آزمایش توصیف شده است «دار بالبلاء محفوفه» و انسان در آن پیوسته در معرض آزمون قرار دارد تا بدین وسیله حق‌باوران از مدعیان دروغین بازشناخته شوند «الذی خلق الموت و الحیاء لیبیلوکم اَیُّکُم أَحْسَنُ عَمَلًا» (تبارک/۲) «و... لیبیلوا بَعْضُکُمْ بِبَعْضٍ...» (محمد/۴) یکی از امتحانات الهی، به وسیله حضور در عرصه جهاد و شهادت تحقق می‌یابد. خداوند حماسه و جهاد را بر مسلمانان فرض قرار داد تا به این وسیله عده‌ای را که دچار خمود و سستی شده‌اند از گروهی که برای مقابله با کفار شب از روز نمی‌شناسند جدا کند. بنابراین در آیه (۱۴۲) سوره آل عمران آمده است: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمِ الصَّابِرِينَ» که معیار سنجش مؤمنان واقعی، جهاد در راه خداوند دانسته شده است؛ و اینکه فرمود برای بهره‌مندی از بهشت محسوس و معقول در گرو فرمان‌برداری از وظایف و جوبی همچون جهاد و صبر در برابر سختی‌ها و ترک امور سلبی، مانند ترک جهاد، فرار از زحف و بی‌تابی و ناشکیبایی در صحنه دفاع است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۱۵: ۶۴۵). «لیبیلوا بَعْضُکُمْ بِبَعْضٍ» برای آزمایش افرادی بود که دم از ایمان به خدا می‌زدند، اما اسلام در قلب‌هایشان رسوخ نکرده بود.

نمونه دیگر آیات (۴) سوره محمد (ص) است که می‌فرماید: «فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبِ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَتَخْتَمُواهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فِيمَا مَنَّا بَعْدَ وَ إِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَآتَيْنَصَرَ مِنْهُمْ وَ لَكِنْ لِيَبْلُوا بَعْضُکُمْ بِبَعْضٍ وَ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ» خداوند به صراحت از فرمان جنگ به مسلمانان به‌عنوان وسیله‌ای برای آزمایش آنان یاد می‌کند. از عبارت «حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا» نیز چنین فهمیده می‌شود که دستور اسلام برای نبرد با کفار تا زمانی

است که اسلام تنها، بر بشر حکومت کند و کفر به طور مطلق از روی صفحه زمین برچیده شود؛ و تا زمانی که این امر محقق نشده است سربازان اسلام وظیفه دارند با گروه کافران در جنگ باشند تا پیروزی نهایی تحقق یابد و خداوند مؤمنان را وارثان زمین قرار دهد.

«إِن يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلَهُ وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نَادُوهُا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (آل عمران/۱۴۰) طبق این آیه، غرض خداوند از جنگ، آزمون برای مشخص و شناخته شدن مؤمنان ثابت قدم از منافقان مدعی اسلام است. خداوند سبحانه، ظالمان یعنی مشرکان و کافران یا کسانی را که با گناه نافرمانی در جنگ اُحد بر خود ستم کردند دوست ندارد و روشن است که محبوبان الهی، یعنی مؤمنان و مجاهدان پیروزند(جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۱۵: ۶۰۸). «وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَأُنْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ» (محمد/۴) خداوند شما (کافران و مؤمنان) را با یکدیگر می آزماید تا مقاومت اهل ایمان در صحنه پیکار و کارزار روشن گردد و گرنه کار آن‌ها در معاد رو به راه نخواهد بود(جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱۵: ۶۰۵) این دسته آیات در بلا و آزمایش مجاهدان با هم ارتباط دارند؛ و به عبارتی تأکید بر معنا و مفهوم واحد دارند. آیه (۱۴۱) سوره مبارکه آل عمران «وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ» ضمن بیان جریان غزوه احد و اتفاقاتی که در آن پدید آمد به این مهم تصریح می کند که هدف از پیکار تزکیه روحیه ایمانی افراد با ایمان و نابودی و از بین رفتن مطلق کافران است «...وَلِيَتَّبِعَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ لِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ» (آل عمران/۱۵۴) خداوند فقط انسان خالص و مخلص را به قرب خویش می پذیرد. فراز و نشیب‌های زندگی، تحولات سیاسی و اجتماعی، تغییر حکومت‌ها و اوضاع اقتصادی و امثال آن، هر یک به نوعی زمینه‌ساز خالص شدن انسان در بستر جامعه است(جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۵: ۶۴۱). این آیات حکم تعلیل و بیان علت را برای آیات قبل دارد.

## ۵- نتیجه گیری

نتیجه ۱: قرآن کریم که از جانب خداوند یکتای حکیم نازل شده است در سراسر آن پیوستگی، نظم و انسجام مشاهده می گردد. متن قرآن دارای هم‌سویی موضوعی و محتوایی در راستای هدف تربیتی و هدایتی است و عنصر محتوایی قرآن همانند اجزای یک ساختمان به هم پیوسته و ناظر به یکدیگرند. موضوع تناسب گاه در میان کلمات و عبارات یک آیه، آیات یک سوره، گروه‌هایی از سوره قرآن یا میان آیات مرتبط با موضوعات خاص قابل بررسی است. و در واقع همین انسجام و تناسب میان آیات است که مفسر با کنار هم گذاشتن آن‌ها، تفسیر موضوعی را رقم می‌زند. روی هم رفته، بحث تناسب، یکپارچه بودن و ارتباط بین آیات را آشکار می‌کند.

نتیجه ۲: به‌طور کلی آیه‌ای که در قرآن درباره حماسه و شهادت آمده است به نوعی تکرار معنا و مفهوم در آیات پیشین و پسین است؛ و بر معنا و مفهوم حماسه تأکید و اصرار دارد و راز این تکرار که با بیان‌های متفاوت آمده است؛ تقویت روحیه ایثار و فداکاری برای بقای نظام و جامعه اسلامی است که یکی از ارکان مهم در زمینه دفاع از تهاجمات گروه سلطه‌جو و ظالم است. زنده بودن شهید، رزق شهید، آموزش گناهان شهید، ضایع نشدن عمل شهید، مسرت و خوشحالی شهید، وارد شدن در رحمت الهی، رستگاری وی و توصیه به حماسه و جهاد از مفاهیم پرتکرار این آیات است؛ در بررسی آیات حماسه می‌بینیم کلیه این آیات به ترغیب مجاهدان به جنگ و مبارزه در مقابل کافران می‌پردازد و آیات شهادت به مفاهیمی چون

ابدی بودن و ضایع نشدن اجر و مزد شهدا تأکید دارند. آیات مربوط به حماسه و شهادت مکمل یکدیگر و تشکیل دهنده اجزاء این موضوع می‌باشند و هر کدام به بُعدی از ابعاد آن می‌پردازد. بنابراین عدم توجه به هر کدام سبب نقص و کاستی در موضوع می‌گردد.

در این پژوهش پس از گردآوری آیات مرتبط با موضوع و بررسی آن‌ها به تفسیر تسنیم مراجعه گردیده است. آیت‌الله جوادی در اکثر موارد، تناسب هر آیه با آیه قبل از خود را آورده و به عبارتی به تناسب درون سوره‌ای پرداخته است و توضیحی که ایشان آورده است بیشتر برای بیان ارتباط بین آیات یک سوره است و نوع تناسب را مشخص نکرده‌اند. در این میان محقق سعی بر آن داشته، تا تفسیر آیات را طبق تفسیر تسنیم در نظر آورد و سپس نوع تناسب را بررسی کند. به‌طور کلی نتیجه می‌شود که میان آیات حماسه و شهادت تناسب لفظی برقرار است و آیات شهادت برای آیات حماسه حکم تحریض و تشویق، تقویت روحیه جهادگران، بیان هدف، دل‌داری مجاهدان مغلوب و جایگاه والای شهدا را دارد. توجه به تناسب آیات، تصویری جامع از دیدگاه قرآن کریم نسبت به جهاد، حماسه و شهادت را نشان می‌دهد.

پیشنهاد می‌شود محققان موضوع تناسب را در آیات مربوط به زنان، طلاق، وحدت میان جامعه اسلامی، ضرورت و لزوم امامت، تربیت اسلامی بررسی نمایند.

## فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمدبن مكرم. (۱۴۱۶ه.ق). *لسان العرب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. انطون الیاس، الیاس. (۱۳۵۵). *القاموس العصری*. ترجمه سید مصطفی طباطبایی. تهران: انتشارات اسلامی.
۳. انوری، حسن. (۱۳۸۲). *فرهنگ فشرده سخن*. تهران: نشر سخن.
۴. انیس، ابراهیم و همکاران. (۱۴۱۶). *المعجم الوسیط*، چاپ پنجم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. ایازی، محمد علی. (۱۳۸۴). *چهره پیوسته قرآن*. تهران: دانشگاه علوم و تحقیقات.
۶. باقلانی، ابوبکر. (۱۴۲۱). *اعجاز القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷. پاکتچی، احمد. (۱۳۹۷). *روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث*. تهران: دانشگاه امام صادق.
۸. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۴). *تفسیر تسنیم*، ج ۷. قم: اسراء.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). *تفسیر تسنیم*، ج ۷. قم: اسراء.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). *تفسیر تسنیم*، ج ۹. قم: اسراء.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). *تفسیر تسنیم*، ج ۱۰. قم: اسراء.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). *تفسیر تسنیم*، ج ۱۶. قم: اسراء.



۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *تفسیر تسنیم*، ج ۱۹. قم: اسراء.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *تفسیر تسنیم*، ج ۲۰. قم: اسراء.
۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). *حماسه و عرفان*. قم: اسراء.
۱۶. زمخشری، ابوالقاسم. (۱۴۰۷). *تفسیر الکشاف عن حقایق التنزیل*. قاهره: دار احیاء التراث العربیه.
۱۷. سیاوشی کرم، باقر. (۱۳۸۴). وحدت موضوعی از نگاه سید قطب در فی ظلال - القرآن. پژوهش دینی. صص ۹-۱۵.
۱۸. سیوطی، جلال الدین. (بی تا). *تناسق الدرر فی تناسب السور*. سوریه: دارالکتب العربی.
۱۹. شهروی، شهرز. (۱۳۸۵). *شهید و شهادت از دیدگاه شهید مطهری (ره)*. قم: نجابت.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۲). *تفسیر المیزان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. عباسی، جواد. (۱۳۸۴). *شهید و شهادت*. تهران: شاهد.
۲۲. عبدالستار، محمد. (۱۴۳۶). *الشهداء، حماه الوطن و حراس العقیده*. سوریه: وزارت اوقاف.
۲۳. فقهی زاده، عبدالهادی. (۱۳۹۳). *پژوهشی در نظم قرآن*. تهران: انتشارات سخن.
۲۴. قبادی، سعید. (۱۳۹۷). تناسب آیات ابتدایی و انتهای سوره های قرآن کریم با تأکید بر نظر آیت الله معرفت. سومین کنفرانس بین المللی دستاورهای نوین پژوهشی در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی. قم: دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۲۵. قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۲۶. القزوی، احمد بن فارس. (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۷. قندالی، فاطمه. (۱۳۹۳). *بررسی و نقد هشت ترجمه از ترجمه های فارسی قرآن کریم براساس میزان توجه به تناسب و ارتباط آیات*. تهران: دانشکده علوم قرآنی تهران.
۲۸. مجلسی، محمد تقی. (۱۳۵۷). *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار*. لبنان: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. میدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). *کشف الاسرار*. تهران: امیر کبیر.
۳۰. نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل*. قم: مؤسسه آل بیت (علیهم السلام).